

جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره

تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید

۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴

۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

همچنین می‌توانید در شبکه‌های

اجتماعی ایتا، واتساپ و تلگرام با

شماره فوق سفارش خود را ثبت

فرمایید.

www.hpbook.ir

[@hoghoghepoyapub](https://t.me/hoghoghepoyapub)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دستار دادگاه حقوقی

جلد چهارم

شرایط تشکیل جلسه دادرسی

دکتر عزت الله امانی شلمزاری (عضو معاون دیوان عالی کشور)
مجید عطایی جنتی (رئیس شعبه دادگاه عمومی و حقوقی)
آمنه خدادادی (مستشار معاونت قضایی قوه قضائیه)
سحر زارع خفری

نشر حقوق پویا

عنوان قراردادی: ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور: شرایط تشکیل جلسه دادرسی / عزت‌الله امانی شلمزاری ... (و دیگران).
مشخصات نشر: قم، حقوق پویا، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری: وزیری، ۱۳۶ صفحه
شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۵-۴۳-۴
شابک جلد چهارم: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۵-۵۷-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عزت‌الله امانی شلمزاری، مجید عطایی جنتی، آمنه خدادادی، سحر زارع خفری.
موضوع: آیین دادرسی مدنی -- ایران
آیین دادرسی در دادگاه -- ایران
اقامه دعوا -- ایران
شناسه افزوده: امانی شلمزاری، عزت‌الله
رده‌بنده کنگره: KMH ۱۷۰۴
رده‌بندی دیویی: ۳۴۷/۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۴۱۵۳۲

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی و Pdf و...) از این اثر بدون أخذ مجوز از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد. لطفاً در صورت مشاهده موارد را به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

دستیار دادگاه حقوقی

جلد چهارم

شرایط تشکیل جلسه دادرسی



دکتر عزت‌الله امانی شلمزاری / مجید عطایی جنتی
آمنه خدادادی / سحر زارع خفری

■ ناشر: حقوق پویا ■ چاپ: اول ۱۴۰۱ ■ تعداد: ۲۰۰ نسخه

■ قیمت: ۹۵۰۰۰ تومان ■ شابک جلد چهارم: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۵-۵۷-۱

قم / خیابان ارم / جنب بانک ملی / پاساژ ناشران / پلاک ۲۲ تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۹۲۷۴

ثبت سفارش از طریق پیام‌رسان‌های واتساپ، ایتا و تلگرام توسط شماره: ۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

■ کانال تلگرام: haghoghhepoyapub ■ کانال ایتا: nashrehoghhepoya

■ اینستاگرام: pooyalaw ■ فروشگاه اینترنتی: www.hpbook.ir

>>>>>>>> ارسال کتاب به تمام نقاط کشور <<<<<<<<

فهرست مطالب

۱- مقدمه	۱
۱-۱ کلیات	۲
۲- شرایط فراهم بودن موجبات تشکیل جلسه اول دادرسی	۵
۱-۲ فاصله ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه	۵
۲-۲ نحوه اختاریه صحیح (ابلاغ اوراق قضایی)	۱۵
الف) ابلاغ به اشخاص حقیقی	۱۶
۱. چگونگی ابلاغ در صورت تغییر آدرس خوانده	۱۶
۲. درج تاریخ ابلاغ با تمام حروف	۲۰
۴. امتناع شخص مخاطب از قبول اوراق در آدرس اعلامی	۲۲
۴. ابلاغ به شخص زندانی	۲۴
۵. عدم شناسایی اقامتگاه خواهان	۲۸
۶. اشتباه نوشته شدن نام و نام خانوادگی خواهان	۳۵
۷. ابلاغ دادخواست به اهالی معین	۳۸
۸. ابلاغ الکترونیکی (مواد ۱۲ و ۱۳ آیین نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای)	۳۹
۹. ابلاغ اوراق به ورشکسته	۴۶
۱۰. ابلاغ در اقامتگاه قراردادی	۴۷
۱۱. تسری ماده ۲۲ قانون صدور چک به دعاوی حقوقی	۴۹
ب) ابلاغ به اشخاص حقوقی	۵۲
۱. ابلاغ به وکیل ادارات و شرکت‌ها	۵۲

۲. موارد ابلاغ واقعی به اشخاص حقوقی.....۵۳
۳. امکان یا عدم امکان نشر آگهی در مورد اشخاص حقوقی.....۷۰
۴. ابلاغ اوراق به نماینده حقوقی ادارات.....۷۳
- ۲-۳ در قید حیات بودن اصحاب دعوا۷۷
- ۲-۳-۱ نمونه قرار توقیف دادرسی.....۷۸
- ۲-۳-۲ فوت وکیل.....۷۹
- ۲-۳-۳ فوت خواهان یا خوانده در دعوی قائم به شخص (تمکین).....۷۹
- ۲-۴ عدم ورشکستگی یکی از اصحاب دعوا در جریان دادرسی.....۸۱
- ۲-۵-۴ عدم حجر یکی از اصحاب دعوا در جریان دادرسی.....۸۴
- ۲-۵-۱ چگونگی تعیین قیم در صورت حجر خوانده.....۸۴
- ۲-۶ حضور قاضی دادگاه.....۸۶

۳- نکاتی که در نحوه نوشتن صورتجلسه دادرسی باید رعایت گردد.....۸۸

- ۳-۱ تاریخ تشکیل و خوانا بودن صورتجلسه دادرسی.....۸۸
- ۳-۲ نوع وقت پرونده.....۸۸
- ۳-۳ حضور یا عدم حضور طرفین.....۸۹
- ۳-۳-۱ تکلیف دادگاه در مورد حضور اصحاب دعوا در صورت زندانی بودن یکی از آنها.....۹۰
- ۳-۴ حضور یا عدم حضور و کلاء طرفین.....۹۱
- ۳-۴-۱ عدم حضور وکیل در جلسه دادرسی در تعدد وکیل.....۹۲
- ۳-۴-۲ الزامی بودن یا نبودن حضور وکیل در جلسه دادرسی.....۹۵
- ۳-۵ وصول یا عدم وصول لایحه.....۹۷
- ۳-۵-۱ وصول لایحه دفاعیه خوانده پس از ختم رسیدگی.....۹۷
- ۳-۶ مکان جلسه دادرسی.....۹۹
- ۳-۷ تشکیل جلسه دادرسی در روزهای غیر تعطیل و وقت اداری.....۱۰۰
- ۳-۸ درج اظهارات اصحاب دعوا در صورتجلسه دادرسی.....۱۰۰
- ۳-۹ درج امضاء یا اثر انگشت اصحاب دعوا در صورتجلسه دادرسی... ۱۰۰
- ۳-۱۰ قلم خوردگی، نوشتن بین سطوح.....۱۰۱

۴- اخلال در نظم جلسه دادرسی ۱۰۳

۴-۱ اخلال در جلسه دادگاه توسط وکیل و اعلام جرم به دادسرای شهرستان. ۱۰۴

۴-۲ مرجع صالح در اخلال در نظم دادگاه ۱۰۵

۴-۳ تسری ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی به شورای حل اختلاف .. ۱۰۵

۵- حاضر نشدن اصحاب دعوا در جلسه اول دادرسی ۱۰۹

۵-۱ نمونه دستور تجدید جلسه دادرسی به استناد ماده ۹۵..... ۱۱۰

۵-۲ نمونه قرار ابطال دادخواست موضوع ماده ۹۵ قانون آیین دادرسی

مدنی ۱۱۱

۵-۳ لزوم ذکر موارد اخذ توضیح از خواهان در اظهاریه ۱۱۲

۵-۴ تاثیر عذر موجه یا عدم عذر موجه در قرار ابطال دادخواست ۱۲۱

۵-۵ لزوم تعیین وقت رسیدگی برای اخذ توضیح از خوانده ۱۲۳

۵-۶ نیاز به اخذ توضیح از خواهان در اثنا جلسه اول دادرسی ۱۲۴

۶- علنی بودن جلسه دادرسی ۱۲۷

۷- توافق اصحاب دعوا برای تأخیر جلسه دادرسی ۱۲۹

فهرست منابع ۱۳۰

۱ - مقدمه

بخش مهمی از آئین دادرسی مدنی اختصاص به تشکیل جلسه دادرسی دارد. با تکمیل پرونده توسط مدیر دفتر شعبه و ارسال آن به دادگاه در جهت صدور دستور برای تعیین وقت دادرسی، فرایند دادرسی شکل گرفته و دادرسی آغاز و با اصدار رای پایان می‌پذیرد. در این مسیر، هر یک از متداعین پرونده حقوق و تکالیفی دارند که در همان مقطع قابل اعمال می‌باشد. در مرحله اول، اقامه دعوا با تقدیم دادخواست است که از سوی خواهان شروع می‌شود و در مرحله بعد اجرا و انجام دادرسی است. انجام دادرسی نیازمند مقدماتی می‌باشد که از زمره این مقدمات بحث ابلاغ است. ابلاغ اوراق برای تشکیل جلسه دادرسی بسیار مهم و درخور اهمیت است. چنانچه این مهم به نحو صحیح انجام نشده باشد، امر دادرسی و تشکیل جلسه با مشکل مواجه شده و دادرسی به تاخیر خواهد افتاد و موجبات اطاله دادرسی را فراهم می‌کند.

همانطور که در جلد اول، دوم و سوم کتاب دستیار دادگاه حقوقی اشاره شد مقام قضایی هنگامی که پرونده به ایشان ارجاع می‌شود اولین نکته‌ای که باید دقت نماید این است که صلاحیت دارد یا خیر در صورت داشتن صلاحیت می‌بایست وفق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی در صورت تکمیل بودن دادخواست دستور تعیین وقت رسیدگی را صادر نماید که در جلد دوم کتاب به شرایط دادخواست و در جلد سوم نیز به شرایط صدور دستور تعیین وقت رسیدگی اشاره شد. حال وقتی که دستور تعیین وقت رسیدگی صادر گردید و طرفین دعوا در جلسه رسیدگی حاضر شوند می‌بایست نکاتی رعایت شود که در این مجلد به این نکات اشاره می‌شود.

موضوع این کتاب ناظر به شرایط صدور دستور تعیین وقت رسیدگی و مقررات حاکم بر جلسه دادرسی می‌باشد. درصدد هستیم با رویکردی جدید و در قالب

عملی و رویه محاکم به این موضوع پرداخته و نشست‌های قضایی برگزار شده را در مورد مسائل مورد بحث یادآوری نماییم. این کتاب در سه فصل نوشته شده است که هر یک نیز مباحثی دارد. در فصل اول، کلیات و در فصل دوم شرایط فراهم بودن موجبات تشکیل جلسه دادرسی و در فصل سوم نگارش صورتجلسه اشاره شده است. شیوه پژوهشی که در این کتاب به کار گرفته شده است، از یک سو تجزیه و تحلیل آئین و نظام دادرسی مدنی و از سوی دیگر ملاحظه و نگاهی مستقیم و نزدیک به رویه قضایی جاری در مراجع عالی قضایی مانند شعب دیوان عالی کشور و دادگاه تجدید نظر استان است. این شیوه همان است که نگارندگان تا کنون در سایر نوشته‌های خود نیز آن را بکار برده‌اند.

۱-۱ کلیات

تشکیل جلسه دادرسی به صورت قانونی زمانی امکان پذیر است که موجبات و تشریفات آن فراهم و رعایت شده باشد. با تجمیع این شرایط دادرسی شکل قانونی به خود گرفته و دادرسی می‌تواند با ورود به اصل اختلاف در مورد آن تعیین تکلیف نماید. این شرایط عبارتند از:

۱- کامل بودن دادخواست: زمانی دستور وقت رسیدگی توسط قاضی دادگاه صادر می‌شود که دادخواست کامل شده باشد. چنانچه دادخواست به صورت ناقص به دادگاه ارسال شده باشد و دادگاه نتواند رسیدگی را انجام بدهد، قاضی دادگاه در اجرای ماده ۶۶ آئین دادرسی مدنی جهات نقص را در صورت مجلس قید و به دفتر دادگاه جهت صدوریه اخطار رفع نقص اعاده می‌نماید. این موضع در جلد دوم کتاب بدان پرداخته شده است.

۲- ابلاغ: ابلاغ به طرفین بایستی به نحو صحیح به عمل آمده باشد. ابلاغ در معنای حقوقی و قانونی آن به مفهوم آگاه نمودن مخاطب از مفاد اوراق ارسالی از ناحیه دفتر دادگاه می‌باشد. تفاوتی نمی‌کند ابلاغ صورت گرفته به صورت واقعی یا قانونی

باشد، چون هدف ابلاغ مطلع شدن شخص مخاطب است. نکته قابل توجه این است که ارسال اخطاریه و اوراق قضایی منوط به صدور دستور از ناحیه دادگاه است و این موضوع در مواد ۶۴ و ۶۷ قانون آئین دادرسی مدنی آمده است. بنابراین، ارسال اوراق قضایی با تصمیم دفتر دادگاه انجام نمی‌شود و چنانچه دفتر شعبه بدون اخذ دستور دفتر دادگاه اقدام به ارسال اوراق نموده باشد، از آثار قانونی و قضایی برخوردار نخواهد بود. فرایند ابلاغ اوراق قضایی یکی از اقدامات مهم در جهت دادرسی می‌باشد، لذا چنانچه این اقدام به نحو صحیح توسط دفتر دادگاه در نحوه تنظیم و مامور ابلاغ در زمان ابلاغ صورت نگرفته باشد، جلسه تعیین شده برای دادرسی را تحت تاثیر قرار داده و موجب لغو جلسه خواهد شد. بنابراین، امر ابلاغ در تشکیل جلسه دادرسی بسیار مهم می‌باشد و در ارسال آن لزوماً می‌بایست نکاتی رعایت شود.

۳- حضور متصدی دادگاه: جلسه دادرسی در صورت تشکیل می‌شود که قاضی برای تصدی دادگاه حضور داشته باشد. در صورت عدم حضور در جلسه، اساساً جلسه تشکیل نشده و کارکنان دفتر نمی‌توانند اقدام به تشکیل جلسه دادرسی نموده و اظهارات طرفین را در صورت جلسه منعکس نمایند. چنانچه کارکنان دفتر مبادرت به تشکیل جلسه دادرسی نموده باشند، آن جلسه فاقد اثر قانونی می‌باشد.

۴- احراز فاصله زمانی مقرر بین ابلاغ وقت و روز جلسه دادرسی: دادگاه در صورتی می‌تواند جلسه دادرسی را تشکیل دهد که فاصله زمانی مقرر بین ابلاغ وقت و روز جلسه دادرسی رعایت شده باشد. فاصله ابلاغ ۵ روز است. اگر فاصله مقرر رعایت نشده باشد، تشکیل جلسه قانونی نخواهد بود. مگر اینکه ذی نفع حاضر شده و یا لایحه تقدیم نموده و اعتراضی به این امر ننماید. جلسه دادرسی به منظور شنیدن اظهارات اصحاب دعوا و رسیدگی دادگاه به دعوی مطروحه تشکیل می‌شود و زمانی این جلسه تشکیل می‌گردد که موجبات رسیدگی فراهم بوده و خواننده فرصت و امکان دفاع از در برابر دادخواست خواهان با لحاظ تغییرات احتمالی آن

که به تجویز ماده ۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی انجام می‌گیرد داشته باشد. لذا چنانچه در تشکیل جلسه مقررات آئین دادرسی مدنی رعایت نشده باشد، در روز جلسه امر دادرسی با منع قانونی مواجه خواهد شد.

۲- شرایط فراهم بودن موجبات تشکیل جلسه اول دادرسی

برای اینکه جلسه اول دادرسی وفق مقررات قانونی تشکیل شود یک سری شرایط لازم است که به شرح ذیل می‌باشد:

۲-۱ فاصله ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه

وفق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی فاصله ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه برای اشخاصی که مقیم ایران هستند نباید کمتر از ۵ روز باشد و در صورتی که نشانی طرفین دعوا یا یکی از آنها خارج از کشور باشد فاصله ابلاغ وقت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود. معنای این جمله آنست که اگر اخطاریه خوانده ده روز به وقت جلسه و اخطار خواهان ۴ روز به وقت جلسه ابلاغ شود، دادگاه در روز رسیدگی باید وقت را تجدید کند، چرا که فاصله ابلاغ برای هر یک از طرفین نباید کمتر از ۵ روز باشد و این معنا از ظاهر ماده ۶۴ به دست می‌آید. در حالی که وقتی خواهان خود دعوا را مطرح کرده، چه ضرورتی دارد که حتما فاصله بین ابلاغ اخطاریه به وی و نوبت رسیدگی دادگاه کمتر از ۵ روز نباشد؟ مگر او از دلایل و مدارکی که تقدیم نموده مطلع نیست؟ این نقیصه است که با تغییر در ماده ۱۴۴ قانون سابق آیین دادرسی مدنی به وجود آمده است. هرچند می‌توان گفت منظور از فاصله ابلاغ ۵ روزه برای خواهان نیز اعطای مهلت کافی جهت تدارک دفاع از دعوایی است که اقامه کرده است و از جهت اعطای فرصت عادلانه تفاوتی بین خواهان و خوانده نیست.» (دکتر علی مهاجری، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد اول، صفحه ۲۸۳)

نکته الف:

یکی از اصول حاکم بر دادرسی عادلانه اصل تناظر است. بر اساس این اصل، هر یک از متداعیین دعوا باید علاوه بر اینکه فرصت و امکان مورد مناقشه قرار دادن ادعا و ادله و مستندات رقیب را داشته باشد، باید فرصت و امکان طرح ادعا و ادله و مستندات خود را نیز داشته باشد که چهره دیگر این اصل در اعلامیه حقوق بشر

تحت عنوان دادرسی منصفانه آمده است. لذا فلسفه وضع ماده ۶۴ آئین دادرسی مدنی به نوعی تداعی کننده اصل تناظر یا همان دادرسی منصفانه و دادن فرصت دفاع به خواننده می باشد.

نکته ب:

گاهی از اوقات مشاهده می شود که فاصله ابلاغ وقت به اصحاب دعوا کمتر از ۵ روز می باشد اما خواهان و خواننده در جلسه رسیدگی حضور داشته و بیان می دارند آمادگی دفاع را دارند. در چنین صورتی آیا مقام قضایی می بایست وقت رسیدگی را تجدید نماید یا اینکه چون اصحاب دعوا به تشکیل جلسه دادرسی رضایت دارند می بایست جلسه دادرسی را تشکیل و اظهارات خواهان یا خواننده را اخذ نماید؟ پاسخ به سوال این چنین است که با توجه به رضایت اصحاب دعوا هر چند که فاصله ابلاغ کمتر از ۵ روز می باشد اما مقام قضایی می بایست جلسه دادرسی را تشکیل و اظهارات اصحاب دعوا را اخذ نماید. لازم به ذکر است نشست قضایی در این خصوص به شرح ذیل اشاره شده است.

نشست قضایی استان مازندران - رامسر مورخه ۱۳۸۱/۰۴/۰۹

موضوع: فراهم بودن موجبات رسیدگی در صورتی که فاصله بین ابلاغ و جلسه رسیدگی کم تر از پنج روز باشد

پرسش: چنانچه فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه رسیدگی کمتر از پنج روز باشد لکن اصحاب دعوا در جلسه حضور داشته و یا لایحه دفاعیه فرستاده باشند آیا موجبات رسیدگی فراهم است یا خیر؟

نظر هیئت عالی

در مواردی که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و جلسه دادرسی کمتر از پنج روز باشد، چنانچه اصحاب دعوا در جلسه حاضر و بدون اعتراض به این امر مطالب خود را به عرض دادگاه برسانند و یا با تقدیم لایحه مطالب خود را به

طور کتبی بیان کنند، این امر موجب تجدید وقت رسیدگی نیست. اما چنانچه اصحاب دعوا با حضور در جلسه و یا با تقدیم لایحه به این موضوع ایراد نمایند، و یا در جلسه دادرسی حاضر نشوند و لایحه ای نیز ندهند، این امر از جهات قانونی تجدید وقت رسیدگی است.

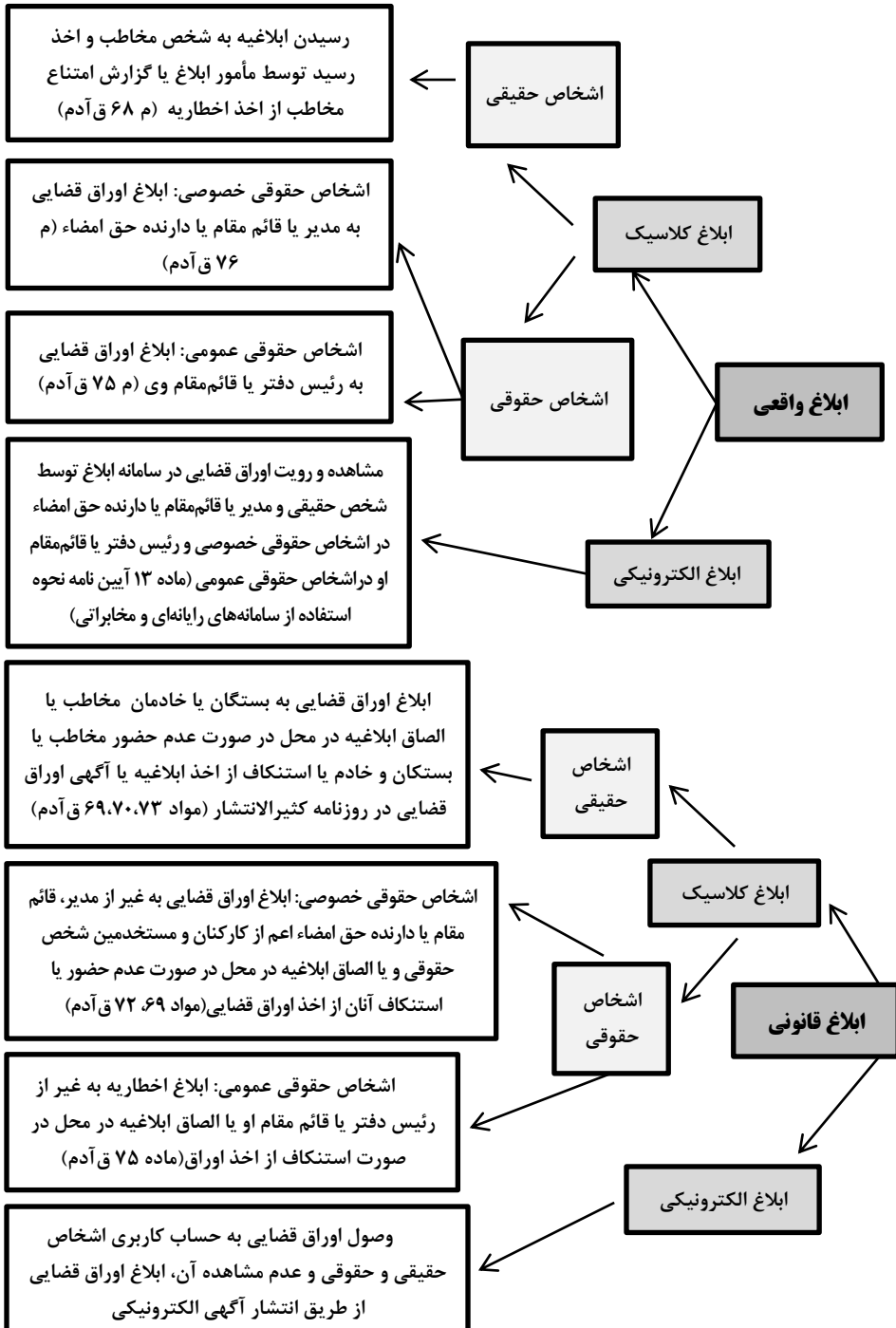
نظر اکثریت

با فرض سؤال هر گاه هر یک از اصحاب دعوا از دادگاه درخواست تجدید جلسه را بکند دادگاه مکلف است برای فراهم شدن فرصت دفاع نسبت به کسی که وقت دادرسی کمتر از پنج روز از زمان تشکیل جلسه به وی ابلاغ شد، وقت مناسب دیگری تعیین و طرفین را به دادرسی دعوت نماید همانطوری که در مسائل کیفری مطابق تبصره ۲ ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری فاصله بین ابلاغ احضاریه و موعد احضار حداقل سه روز است. در صورتی که این فاصله زمانی رعایت نشود و متهم درخواست استمهال نماید دادگاه مکلف به قبول درخواست استمهال به منظور فراهم نمودن فرصت دفاع برای متهم است. اما اگر با فرض عدم رعایت فاصله پنج روز در مسایل حقوقی و سه روز در مسایل کیفری از تاریخ ابلاغ تا زمان تشکیل جلسه رسیدگی اصحاب دعوا در جلسه حاضر بوده و تقاضای مهلت نکنند دادگاه مجاز به تشکیل جلسه و ادامه رسیدگی است.

نظر اقلیت

در فرض سؤال خواه اصحاب دعوا تقاضای استمهال بکنند یا تقاضای مهلت نکنند در هر حال دادگاه مکلف به تجدید جلسه رسیدگی است. زیرا قانون آیین دادرسی از قوانین آمره بوده و به تراضی اشخاص خلاف آن نمی شود عمل کرد. نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه:

اکنون مصادیق قانونی ابلاغ واقعی و قانونی را در ابلاغ کلاسیک و الکترونیک بررسی خواهیم کرد:



۲-۳ در قید حیات بودن اصحاب دعوا

یکی دیگر از شرایط تشکیل جلسه اول دادرسی در قید حیات بودن اصحاب دعوا می‌باشد و چنانچه اصحاب دعوا اعم از خواهان یا خوانده قبل از تقدیم دادخواست فوت نموده باشد در چنین صورتی همانطور که در جلد‌های قبلی اشاره شد قرار عدم استماع صادر می‌شود اما اگر خواهان یا خوانده بعد از تقدیم دادخواست فوت نموده باشد در چنین صورتی چه جلسه اول دادرسی باشد چه جلسات بعد به استناد ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی قرار توقیف دادرسی صادر می‌شود.

چنانچه در جلسه دادرسی فوت یکی از طرفین اعلام شود «ممکن است در جلسه دادرسی همزمان با اعلام فوت، موجبات ادامه رسیدگی نیز فراهم باشد. به عنوان مثال یکی از وراثت در دادگاه حاضر شده و اسامی سایر ورثه را نیز اعلام نموده باشد. سوال این است که در فرض حضور یک وارث و هم چنین در فرضی که تمام ورثه حاضر شده باشند، باید قرار توقیف دادرسی صادر و سپس ادامه دادرسی اعلام شود یا اینکه بدون صدور قرار توقیف و با انعکاس موضوع در صورت مجلس دادگاه دادرسی ادامه می‌یابد؟ در پاسخ به این سوال دو استدلال وجود دارد: استدلال اول آن است که براساس ماده ۱۰۵ نتیجه فوت و به طور کلی نتیجه امر حادث صدور قرار توقیف دادرسی است و اسباب بعدی نمی‌تواند در نتیجه سبب مقدم موثر باشد. مضافاً قانون آیین دادرسی مدنی قانون شکلی است و عدم رعایت آن مستلزم وجود نص خاص می‌باشد. در اینجا به فرض اینکه وراثت حاضر باشند تاثیر حضور آنان تنها در اخطار بعد از صدور قرار توقیف دادرسی است. یعنی اگر حاضر بودند فقط اخطار به طرف مقابل ضرورتی پیدا نمی‌کند. اما به هر حال صدور قرار توقیف الزامی است. استدلال دوم نیز آن است که فلسفه صدور قرار توقیف دادرسی متوقف ماندن آن «تا زمان تعیین جانشینان متوفی است. در اینجا جانشینان

خود حاضرند و مانند آن است که مورث آنان حاضر است. بنابراین از آنجایی که صدور قرار توقیف نقطه آغاز اخطار به طرف مقابل است و در اینجا با حضور ورثه موضوع متنی است لذا صدور قرار موجبی ندارد چرا که اگر قرار هم صادر شود، هرگز دادرسی متوقف نخواهد شد. چگونه می توان قراری صادر کرد که نتیجه آن توقف دادرسی نباشد. بنابراین صدور قرار توقف دادرسی فاقد وجهت قانونی است. این که کدام یک از دو استدلال موجه تر است به نظر می رسد استدلال دوم از قوت بیشتری برخوردار باشد.» (دکتر علی مهاجری، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد اول، صفحات ۴۷۱ و ۴۷۲)

۲-۳-۱ نمونه قرار توقیف دادرسی

خواهان	خوانده	موضوع	تاریخ	شعبه	پرونده
	مشتکی عنه				
<p>گردشکار: به تاریخ فوق در وقت فوق العاده پرونده پیوست تحت نظر است با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.</p> <p>«رای دادگاه»</p> <p>در خصوص نظر به اینکه مذکور در ادامه رسیدگی به دعوا تاثیر دارد به استناد ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی قرار توقیف دادرسی را صادر و اعلام می نماید. مراتب به طرفین اعلام تا پس از تعیین جانشین و درخواست ذینفع جریان دادرسی ادامه یابد پرونده امر از امار کسر گردد.</p>					

۲-۳-۲ فوت وکیل

به استناد ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی مدنی اگر در روز رسیدگی (جلسه دادرسی) مشخص گردد که وکیل یکی از طرفین فوت نموده است در این صورت اگر اخذ توضیحی لازم نباشد بدون توجه به فوت وکیل رسیدگی انجام و رای مقتضی (بی حقی، بطلان یا عدم استماع) صادر می شود و اگر توضیحی لازم باشد، حسب مورد مقام قضایی باید به خواهان یا خواننده ابلاغ نماید که او در جلسه دادرسی حاضر گردد. با حضور موکل در جلسه مراتب سؤال دادگاه به نامبره تفهیم و تبیین می گردد، پس از اخذ توضیحات شخص مخاطب چنانچه توضیحات به عمل آمده کافی باشد، بر اساس آن اتخاذ تصمیم یا انشای رأی می کند.

۲-۳-۳ فوت خواهان یا خواننده در دعوی قائم به شخص (تمکین)

در صورتی که موضوع دعوا از دعاوی باشد که قائم به شخص است مثل دعوی تمکین، اگر یکی از اصحاب دعوا فوت نماید قرار توقیف دادرسی صادر نمی شود چرا که با فوت احدی از اصحاب دعوا ادامه دادرسی منتفی است در چنین صورتی دعوا بر فرض ثبوت اثر قانونی نخواهد داشت و مقام قضایی به استناد بند ۷ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوا صادر می نماید.

رویه قضات دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

عنوان: اثر فوت خواهان دعوی اعسار

پیام: چنانچه خواهان اعسار پس از طرح دعوا فوت کند با توجه به شخصی بودن دعوی اعسار، دعوا منتفی می گردد.

دادنامه شماره: 9309970270100191 مورخ: ۱۳۹۳/۰۲/۳۱

رئیس شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

اهوار کی - رضانی

عنوان : مطالبه اجرت المثل ایام زوجیت توسط ورثه

پیام : مطالبه اجرت المثل کارهای انجام شده در ایام زوجیت نیاز به اثبات دستور زوج و نیز تبرعی نبودن اقدامات زوجه دارد که این مقدمات قائم به شخص زوجه بوده و با فوت وی امکان احراز آن برای دادگاه وجود ندارد.

دادنامه شماره: 9109970222601092 مورخ: ۱۳۹۱/۰۶/۲۰

مستشاران شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

نحوی - سیفی

نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه:

نظریه شماره ۷/۹۶/۲۲۴۳ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۱

استعلام:

اگر زوجه دادخواست الزام زوج به طلاق دهد و در حین اثنای رسیدگی زوج وفات کند و یا زوج دادخواست الزام زوجه به تمکین دهد و زوجه وفات کند و یا در پرونده هایی شبیه این موارد که مسائل مالی در میان نیست که وفق ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی اقدام شود حال بفرمایید در اینگونه موارد تکلیف دادگاه در مختومه کردن پرونده چه می باشد؟ آیا باید با قرار عدم استماع دعوا پرونده مختومه شود یا با قرارهای دیگر؟ یا اینکه پرونده با دستور قضایی مختومه شود؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه:

اگر حق، قائم به شخص باشد، مانند دعوی طلاق و یکی از زوجین در حین رسیدگی فوت نماید، دعوی زایل می شود و چون امکان طرح مجدد آن نیز نمی باشد، بنابراین صدور قرار سقوط دعوی مناسب است.

نظریه شماره ۷/۹۷/۱۳۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۲

استعلام:

زوج علیه زوجه دعوای فسخ نکاح اقامه می کند در اثنای رسیدگی زوجه فوت می کند، با فوت زوجه (۱) آیا زوج می تواند دعوای مذکور را به طرفیت ورثه زوجه تعقیب کند؟ (۲) در صورت مثبت بودن پاسخ سؤال اول آیا حق دفاع از دعوای مذکور به ورثه زوجه منتقل می شود؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه:

الف) هر چند اعمال فسخ نکاح قائم به شخص است، ولی پس از اعمال حق، برخورداری از آثار آن، قائم به شخص نیست و چنانچه حق فسخ اعمال شده (اعلام شده) باشد فوت هیچکدام از زوجین، موجب زوال دعوای تأیید فسخ نکاح نخواهد بود. بنابراین در فرض سؤال که زوج دعوای تأیید فسخ نکاح را اقامه و زوجه در اثنای دادرسی فوت کرده است، دعوای طرح شده به طرفیت ورثه خواننده جریان می یابد. ب) بدیهی است خواننده هر دعوایی حق دفاع از آن را دارد.

۲-۴ عدم ورشکستگی یکی از اصحاب دعوا در جریان دادرسی

با صدور حکم ورشکستگی اهلیت استیفاء تاجر یا شخص حقوقی ساقط و از دخالت در امور مالی ممنوع می گردد و اداره تصفیه امور ورشکستگی یا مدیر تصفیه جانشین شرکت ورشکسته یا تاجر می شود و وظیفه دفاع از دعوا برعهده آنان می باشد. در وضعیت انحلال شرکت نیز تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد بود. در این گونه موارد دعوا به طرفیت شرکت در حال تصفیه و در مورد ماده ۲۷۵ لایحه قانون تجارت و ارجاع